

## سرمقاله

## اختلافات درونی کارایی

## حکومت را کاهش داده است

## حفیظ الله زکی

حکومت وحدت ملی از همان آغاز کار با ناهماهنگی ها و ناسازگاری های درونی همراه بود. تقسیم پنج‌جانه - پنجاه قدرت میان رییس جمهور و رییس اجرائیه، هم بر خلاف قانون بود و هم با روند حکومتداری سالم و سازنده در تضاد قرار داشت. حکومت وحدت ملی در شرایطی قدرت را در اختیار گرفت که از یک سو مسؤلیت امنیت سراسری کشور به نیروهای داخلی سپرده شده بود و از سوی دیگر کمبود بودجه و نقدینگی در کشور جریان بازسازی را متوقف ساخته و میزان سرمایه گذاری خارجی و داخلی را به حد اقل کاهش داده بود. از اینرو حکومت وحدت ملی همزمان به سه مشکل بزرگ و بحران آفرین مواجه بود:

۱- تهدیدات امنیتی: خروج نیروهای بین المللی از افغانستان در شرایطی صورت گرفت که ارگان های امنیتی کشور آمادگی پذیرش مسؤلیت های امنیتی را نداشتند، زیرا نیروهای امنیتی افغانستان در این مدت کمتر مورد توجه جامعه جهانی قرار گرفته بود و به لحاظ ظرفیت های مسلکی به سطحی نرسیده بودند که بتوانند در برابر تهدیدات همه جانبه امنیتی مقابله نمایند.

۲- مشکلات اقتصادی: کمبود نقدینگی و در پی آن مشکلات گسترده اقتصادی در کشور از سه عامل بسیار عمده تأثیر پذیرفت. اول، خروج نیروهای بین المللی و بسته شدن دفاتر آنها و مؤسسات خارجی در افغانستان در عین حالی که هزاران نفر را بیکار ساختند، روی بازار و میزان قدرت خرید مردم نیز تأثیر گذاشتند. دو، نگرانی از تشدید اوضاع امنیتی و عدم اطمینان به توان و قدرت دفاعی نیروهای امنیتی سبب شد تا تجار و سرمایه گذاران سعی کنند پول و دارایی های خود را به بیرون از کشور انتقال دهند.

سه، بی ثباتی سیاسی یکی از عوامل مهم فرار سرمایه از کشور به حساب می آید. انتخابات ریاست جمهوری اخیر بزرگترین آزمونگاه حفظ ثبات در افغانستان به شمار می آید، اما مردم افغانستان معتقد بودند که این کشور در جریان رقابت های سیاسی و انتخاباتی ممکن است دچار بی نظمی و بی ثباتی گردد و نتواند خود را از گردنه انتخاباتی مؤقانه عبور دهد. این برداشت بر تصمیم مردم به مهاجرت و خروج سرمایه از کشور بی تأثیر نبود.

۳- نا همسویی و ناسازگاری داخلی: همانطوری که گمان برده می شد، انتخابات ریاست جمهوری به بن بست کشیده شد. بن بست موجود، افغانستان را بر سر دو راهی جنگ و آشتی سیاسی قرار داده بود که در نهایت با میانجیگری همکاران بین المللی، به توافق سیاسی میان طرفین انجامید.

اما ایندو این کشور را با ابهام ها و سردرگمی های بسیاری مواجه کرد. از همان آغاز تشکیل حکومت وحدت ملی اختلافات و چانه زنی ها میان تیم های شریک در قدرت بر سر چگونگی تقسیم چوکی ها شروع شد و تا هنوز ادامه دارد.

ناسازگاری، تداخل کاری و شسکل گیری جریانات ناسالم اداری و سیاسی در کشور سبب هدر رفتن توان و انرژی حکومت گردیده و روند سیاستگذاری ها و برنامه ریزی ها را به تعویق انداخته است. علیرغم همه ادعاها، تضادهای فکری و تناقض های رفتاری میان حلقهات گوناگون درون حکومتی کاملا مشهود و برجسته می باشد. اظهارات اخیر والی بلخ را می توان به عنوان نمونه عینی تضادهای درونی یاد آور شد. این تضادهای در مجموع کلیه ارگان های حکومتی را تحت تأثیر قرار داده و بر امنیت و ثبات کشور سایه انداخته است. این اختلافات در سطح کلان کشوری حد اقل با پیامدهای زیر همراه خواهند بود:

۱- بهره برداری مخالفان سیاسی و در نتیجه تشدید نا امنی در کشور. ۲- کاهش اقتدار سیاسی و ایجاد چالش های دوامدار در اجرای قانون، آوردن اصلاحات و مبارزه بافساد. ۳- ضایع شدن امکانات و دست رفتن فرصت های موجود. ۴- تشدید تضادها و تنش های قومی و ستمی و ایجاد فرصت برای افراد منفعت طلب و استفاده جوی سیاسی. ۵- کاهش اعتماد مردم به حکومت و نهادهای دولتی. تشدید رقابت ها و تضادهای درون حکومتی جز این که به چالش های فوق بیفزاید، نتیجه پیامد دیگری به دنبال نخواهند داشت. از اینرو امید می رود که سیاستمداران با درک اوضاع شکننده کشور، تدبیر سیاسی خود را در حل و فصل مشکلات موجود صادقانه به کار گیرند.

## چیستی، چگونگی و چرایی مبارزه با فساد

## توسلی غرجستانی



بالاترین مقامات کشور نیز به نحوی دخیل باشند. از این رو استاد دقیق و مستند که نشان دهد، چه مقدار از کمک های خارجی در طی این یک و نیم دهه برای کدام ارگان و نهادی و برای کدام ولایت و منطقه ای و به چه مقدار مصرف شده است، در دست نیست. گسترش دایره و گستره فساد توسط مؤسسات بین المللی و کشورهای کمک کننده غربی با هم‌دستی برخی از مقامات داخلی و محلی بسیار واضح و روشن است و این مسأله در گزارش های محرمانه و غیر محرمانه متعدد بین المللی از جمله گزارش اداره سیگار آمریکا و پنتاگون و اتحادیه اروپا در طی سال های متوالی به گونه ای منعکس شده است.

در مورد فساد ناشی از عوامل درونی نیز می توان گفت که این مشکل نیز به نحوی متأثر از عوامل بیرونی بوده است. پس از روی کار آمدن اداره جدید پس از طالبان بخش عمده کارمندان اداری از کشورهای همسایه از جمله پاکستان برگشتند، آنچه مسلم است این است که فساد که پس از ۲۰۰۲ در بخش های مختلف افغانستان ریشه دوانید و کم کم به صورت گسترده در تمام ادارت مرکزی و محلی منتشر شد، نه در زمان حکومت خلقی ها و پرچمی ها به این پیمان سابقه داشت و نه حتی در دوران حکومت مجاهدین و طالبان و در زمان جدید قیحت و زشتی ارتشا، اختلاس و سرقت اموال عمومی و دولتی به تدریج از بین رفت. از سوی دیگر مبارزه با فساد اداری، رشوه ستانی، اختلاس و زد و بند در قراردادهای نیز به فرجام نیک نرسید. اینکه هر چند مدت یکبار شاهد آشکار شدن و رسانه ای شدن فساد خورد و بزرگ در ادارات دولتی می باشیم، نتیجه چنین قبحیت زدایی می باشد. طبق گزارش ها مردم افغانستان سالانه در حدود سه میلیارد دلار رشوه می پردازند. این مسأله عمق فاجعه را در کشوری نشان می دهد که تولید ناخالص داخلی آن در سال در حدود ۱۹ تا ۲۰ میلیارد دالر می باشد. یعنی مردم افغانستان به طور تقریبی به میزان ۱۶ درصد تولید ناخالص داخلی را رشوه می پردازند.

بنابراین برای اینکه مبارزه با فساد اداری، رشوه ستانی، اختلاس و پول شویی از مقام گذار به میدان عمل تطبیق شود، نیازمند راهکارهای مشخص و تغییر روش گذشته در زمینه مبارزه با فساد اداری می باشیم. در قسمت بعدی این نوشته به این راهکارها و روش ها تا حدودی اشاره خواهد شد.

جدول کمک های میلیاردی دالری محروم گردید و یا بسیار به صورت اندک به آن ها توجه گردید. از سوی دیگر رویه کار در استخدام مشاوران و متخصصان خارجی در ادارات دولتی و مؤسسات وابسته به کشورهای کمک کننده به گونه ای بود که بخش قابل توجهی از مبالغ و اعتبار تخصیص یافته برای افغانستان به نحوی به سمت کشورهای کمک کننده باز گشت در این سال ها اتفاق افتاد، بخش اعظم کمک ها در بخش های امنیتی و نیروهای خارجی و اندکی برای تعلیم و تربیت نیروهای امنیتی افغانستان هزینه شده است. اولویت تعریف شده برای کشورهای خارجی دخیل در افغانستان از جمله ایالات متحده آمریکا و پیمان ناتو این بود که کمک ها می بایست باعث تأمین امنیت و امن شدن مناطق ناامن گردد و اینگونه بود که مناطق که مشکل امنیتی نداشتند از

و دقیق بر بنیاد نیازهای کشور جنگ زده افغانستان در زمینه های زیربنای، شاهراه ها، صنایع سنگین و سنگین و استخراج معادن مدیریت و اولویت بندی نمایند. آنچه که در این سال ها اتفاق افتاد، بخش اعظم کمک ها در بخش های امنیتی و نیروهای خارجی و اندکی برای تعلیم و تربیت نیروهای امنیتی افغانستان هزینه شده است. اولویت تعریف شده برای کشورهای خارجی دخیل در افغانستان از جمله ایالات متحده آمریکا و پیمان ناتو این بود که کمک ها می بایست باعث تأمین امنیت و امن شدن مناطق ناامن گردد و اینگونه بود که مناطق که مشکل امنیتی نداشتند از

## موانع مبارزه با فساد اداری در افغانستان

## ضیا دانش

اداری و خدمات ملکی که مسولیت اصلاح اداری را از طریق جذب کارکنان شایسته به عهده دارد، کمسیون نظارت بر فساد اداری، تحصیلات عالی، معارف و... که از نهادهای کلیدی مبارزه با فساد در مقاطع مختلف هستند، بیش از همه در دام فساد گیر افتاده اند. آسیب شناسی و عوامل شناختی فساد در این ادارات نشان می دهد که وجود رهبران غیر متعهد و ناسالم در راس آنها، عامل اصلی فساد در این ادارات هست.

- ضعف حاکمیت دولتی: کاملا واضح است که در بخش وسیعی از مناطق کشور، حاکمیت دولتی یا هرگز وجود ندارد و یا بسیار ضعیف و نا توان است؛ وقوع محاکمه های صحرایی، غارت اموال عمومی، نا فرمانی نسبت به دولت، نقض قوانین و... از مواردی هستند که در مناطق خارج از کنترل دولت به مراتب وسیع و گسترده تر است.



- فقر و نیازهای اقتصادی: بخشی از عوامل فساد اداری به فقر و نیازهای مالی بر می گردد؛ افغانستان پنجمین کشور فقیر دنیا با در آمد سرانه کمتر از چهار صد دالر در سال است. بی سواد، پایین بودن سطح و میزان تخصص های کاری، جوان بودن سن جمعیت کشور و... از مسایلی هستند که در کنار فقر اقتصادی، نیازهای مالی شهروندان را افزایش می دهد و در جای خود موجب افزایش درصدی از فساد اداری می گردد.

- تداوم جنگ و نا امنی: تخصیص بودجه در ادارات دولتی نشان می دهد که بخش عظیمی از پتانسیل و ظرفیت های مالی و انسانی دولت صرف جنگ و نا امنی ها می گردد. استمرار جنگ و نا امنی علاوه بر اینکه موجب تلف شدن میزان بالای بودجه مصرفی کشور می گردد، در عرصه های دیگر نیز، توان و ظرفیت دولت را برای ارائه خدمات، نظارت و کنترل و مبارزه محدود و محصور ساخته است. پیامدهای روانی، اقتصادی و انسانی جنگ خود به تنهایی کافی است شالوده امور کشور داری و نقش آنها در استمرار فساد اداری عیان و پیداست.

- فقدان مراجع نظارتی قوی و سالم: هرچند نهادهای چندی به موازات ترویج و گسترش انواع نا بهنجارهای اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و مخصوص فساد و جرایم اداری ایجاد و تا زمانیکه تغییرات اساسی و بنیادی در این عرصه انجام نشود، اقدامات انجام گرفته در عرصه های دیگر، اثر مثبت نخواهد داشت.

این نوع جابجایی باعث نگرش موقتی و استتاده جویانه از مسولیت می گردد و در نهایت، عدم تعهد اداری و فرهنگ بی مبالایی را در میان کارمندان شایع و رایج می سازد.

خرده دولت ها و اشخاص متقدر: وجود دولت های کوچک و محلی در دل دولت مرکزی افغانستان باعث تقسیم شدن منابع قدرت و ثروت در کشور شده است؛ تاراج عیان و آشکار درآمدهای بنادار، گمرکها، مؤسسات و نهادهای مالیاتی و... توسط اشخاص مقتدر و نیروهای نفوذی آنها، امر آشکار است که از عوامل اصلی فساد تلقی می گردد.

- باند های مافیایی: در آشفته بازار افغانستان فقدان کنترول و نظارت دولتی، باند های تیره کار با نفوذ و رخنه در بدنه ادارات کشور، دست به اعمال خلاف قانون می زند و در ترویج و تشدید فساد اداری سهم قابل ملاحظه ی دارند. وجود باندهای مافیای اقتصادی، سیاسی، تولید و قاچاق مواد مخدر، و... کاملا امر آشکار و نقش آنها در استمرار فساد اداری عیان و پیداست.

- فقدان مراجع نظارتی قوی و سالم: هرچند نهادهای چندی به موازات ترویج و گسترش انواع نا بهنجارهای اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و مخصوص فساد و جرایم اداری ایجاد و تا زمانیکه تغییرات اساسی و بنیادی در این عرصه انجام نشود، اقدامات انجام گرفته در عرصه های دیگر، اثر مثبت نخواهد داشت.

مختلف جامعه و... از جمله نگرش های مثبت فرهنگ اداری است که مانع بروز و ظهور اشکال مختلف فساد اداری می شود ولی در مقابل، نگرش مالکیت مدارانه به قدرت و مسولیت، نگاه چپاول گرانه به اموال و دارای های عمومی با استفاده از فرصت فراهم شده، استفاده شخصی و غیر ملی از مسولیت و قدرت و... از اشکال نگرش منفی فرهنگ سازمانی و مولد انواع فساد اداری و سیاسی است.

- فقدان امنیت کاری: سیاسی شدن روند اداری، فساد در استخدام های اداری، بی ثباتی های سیاسی و عدم مصونیت شغلی کارمندان از عوامل دیگری است که باعث افزایش فساد و کندی مبارزه با آن شده است. در عمل، فرهنگ سیاسی حاکم و نقض بی پروایی قوانین باعث گردیده که کارمندان احساس امنیت شغلی نکنند و از این رهگذر، تلاش می شود برای جبران احتمالی ضررهای و زیان های ناشی از دگرگونی های سیاسی در ادارات، دست به فساد بزنند.

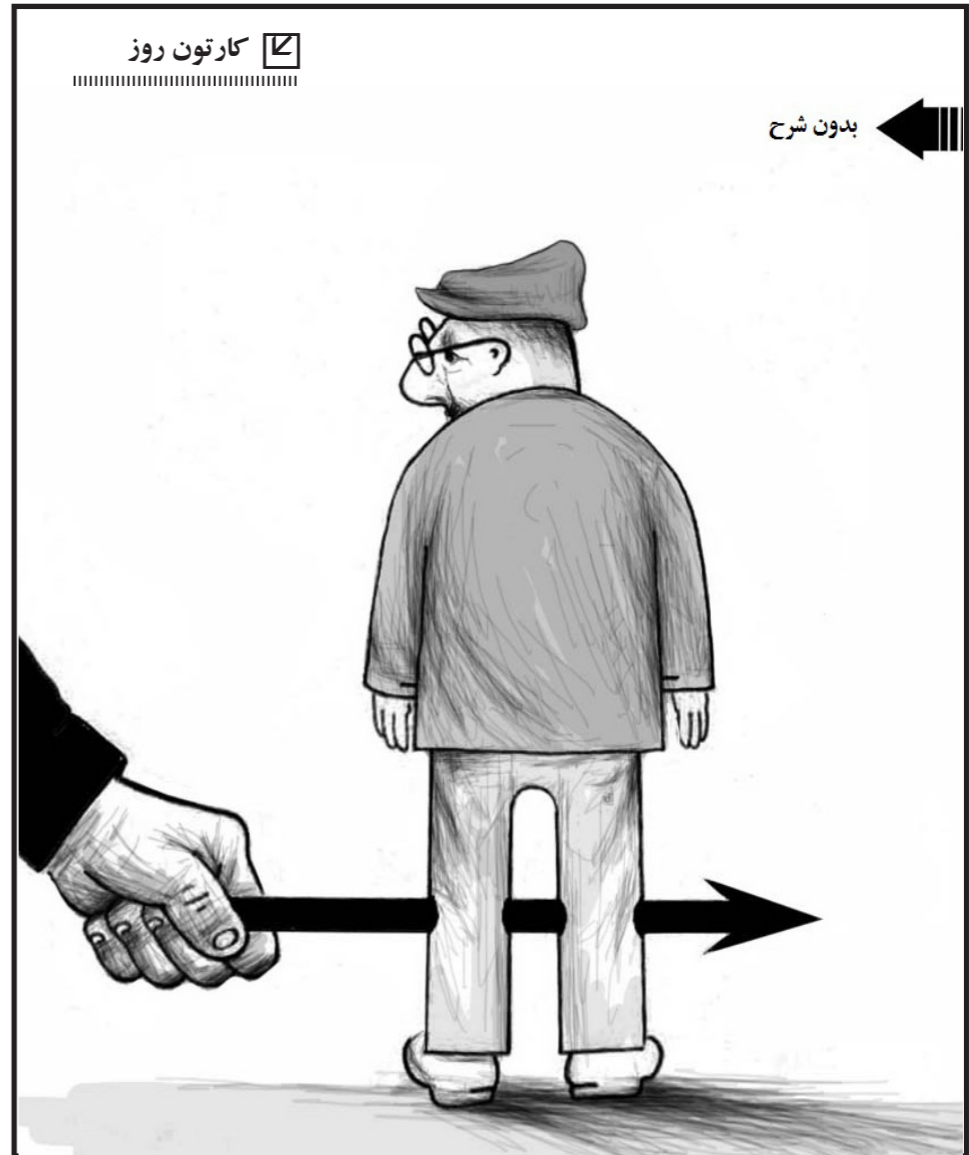
- نوع واگذاری مسولیت ها: معروف است که در افغانستان پست ها یا براساس پول خرید و فروش می شود و یا به عنوان امتیاز و باج به ایمن و آن تحفه و هدیه پیشکش می گردد. ناپایداری و بی ثباتی گسترده در ترکیب نیروهای انسانی ادارات کشور بخصوص ادارات دولتی بخوبی نشان میدهد که با جا به جا شدن اشخاص و افراد کلیدی و رهبری سازمان ها و ادارات، نیروهای انسانی آن نیز جا به جا می شود.

تسلط فرهنگ غارت و چپاول، حضور منابع متعدد موازی خارجی، عدم اطمینان کلی نسبت به سرنوشت آینده کشور و... از جمله عواملی هستند که مبارزه با آنها نیازمند پیوند مسیرهای دشوار و زمان و هر هست و نمی توان به راحتی بر آنها فایق آمد. در ذیل به بخشی از این موانع اشاره شده است:

- فرهنگ اباحه نگر و غارت گر: فرهنگ عمومی و اخلاقی جامعه نقش مهم و کلیدی در پیشگیری از هر گونه پدیده های نا بهنجار و خلاف اخلاق و قانون دارد؛ در جوامع ارزشی و با ثبات، در گام نخست فرهنگ عمومی است که به عنوان فیلتر پدیده ها را شناسایی کرده و به آنها اجازه ورود داده و یا مانع نفوذ آنها در جامعه می شود. اما در افغانستان، به نظر می رسد سالها جنگ و بحران، ضربه های سهمگینی بر پیکیره ی عمومی جامعه وارد ساخته و تمام فیلترهای ورودی آنها را از کار انداخته است.

- ضعف فرهنگ سازمانی: نوع نگرش به قدرت و مسولیت: نوع نگاه به مسولیت و خدمت به مردم، نوع نگرش به اهداف کاری در اداره و چگونگی باور و نگرش در مورد قدرت و ارزشهای اداری و... از اجزا و عناصر شکل دهنده ی فرهنگ سازمانی است. تصدی منصب و مسولیت برای خدمت به بندگان خداوند و یا بشتر هموع، تلاش برای انجام و ایفای مسولیت های جمعی و فردی برای بهبود و ارتقای کمی و کیفی سطوح و ابعاد

آمارهای ارایه شده سازمان ملل نشانگر سیر صعودی فساد اداری در افغانستان از سال ۲۰۰۱ به این طرف است؛ علی رغم تمام تلاشها و اقدامات انجام شده، روند جاری نشان میدهد که موانع بزرگ و کلانی فرا راه مبارزه با این پدیده وجود دارد. دقت و تامل در عوامل فساد اداری نشان میدهد که ریشه های این پدیده عمیق تر از آن است که دولتی با خصوصیات دولت افغانستان (گیربویون در جنگ، فقر اقتصادی، مداخلات خارجی، ضعف ساختاری، خرده دولت های در درون دولت و...) بتواند به راحتی با آن مبارزه کند؛ ضعف های اخلاقی و فرهنگی جامعه در برخورد با پدیده های نا بهنجار و منفی، تداوم بیش از چهار دهه جنگ و



بنیانگذار: داکتر حسین یاسا  
مدیر مسول: محمد رضا هویدا  
سردبیر: حفیظ الله زکی  
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری  
مسئول وبسایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان

دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.

مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و

تنها سرمقاله بیانگر

دیدگاه روزنامه افغانستان می باشد.

www.dailyafghanistan.com

Email: thedailyafghanistan@yahoo.com